

## به دوری عیسی از پیوندِ «عیشا»، «ایشا» یا «اشیا»؟ (تأملی در یک بیت از قصیده ترسائیۀ خاقانی)\*

اکبر حیدریان\*\*

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد

جواد مرتضایی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسندهٔ مسئول)

### چکیده

دیوان خاقانی به جهت دیریابی و دشواری و نیز به سبب اشتغال بر قصاید استوار و غرّاً، از دیرباز مورد توجه شارحان بوده و ایشان کوشیده‌اند تا با حل مشکلات لفظی و معنوی، به عوالم خیال شاعر راه یابند. در میان قصاید خاقانی، قصیده ترسائیۀ از اهمیت خاصی برخوردار است. این قصیده به دلیل ذکر اصطلاحات مسیحیت که نظیر آن در قصاید دیگر دیده نمی‌شود و نیز از این جهت که خوانندگان را با بسیاری از مراسم و آداب آن دین آشنا می‌سازد، همواره توجه شارحان را به‌طور خاص به خود معطوف داشته است. در این جستار، نگارندگان بر آن‌اند تا نگاهی دوباره به یکی از ابیات این قصیده داشته باشند و تفسیر و تأویل جدیدی از آن به دست دهند. نویسندگان، در پی آن هستند تا شکل‌های مختلف کلمهٔ «عیشا» را در بیت معروف قصیده ترسائیۀ مورد بررسی و مذاقه قرار دهند و در نهایت، معنایی را که به نظر می‌رسد مطمح نظر خاقانی بوده است بیان کنند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، «عیشا»، تصحیف کلمهٔ «ایشا» است و خاقانی با به‌کارگیری این کلمه قصد دارد به اختلاف بین *اناجیل* اشاره کند.

**واژگان کلیدی:** خاقانی، قصیده ترسائیۀ، تصحیف، تحریف، عیسا، ایشا.

## ۱. درآمد

احاطه و اشراف خاقانی بر فرهنگ و معارف اسطوره‌ای، اسلامی و عیسوی و نیز تسلط او بر علوم و فنون زمان خویش از او شاعری دیرآشنا ساخته است. از این رو محققان و شارحان برای حل مشکلات لفظی و معنایی و آشکارا ساختن عوالم خیال شاعر کوشیده‌اند. یکی از قصایدی که از گذشته شارحان بر سر شرح برخی از ابیات آن اختلاف داشته‌اند، قصیده مشهور به ترسائیه است. عنوان قصیده مورد نظر «در شکایت از حبس و بند و تخلص به مدح مخلص دین‌المسیح عزالدوله قیصر و برانگیختن او به شفاعت»<sup>۱</sup> است که با مطلع زیر سروده شده است:

فلک کژروتر است از خط ترسا      مرا دارد مسلسل راهب آسا

این قصیده در دیوان خاقانی به تصحیح سید ضیاء‌الدین سجّادی ۹۱ بیت دارد (خاقانی، ۱۳۸۸: ۲۳-۲۸). در میان قصاید خاقانی، قصیده ترسائیه شهرت خاصی دارد. «خاقانی در قصیده هم از جهت لفظ و هم از لحاظ معنی مبتکر و مبدع است و تبعیت از شاعران سلف نکرده است. قصیده مزبور بالاخص شامل بسیاری از اصطلاحات مسیحی است که نظیر آن در قصاید دیگر دیده نمی‌شود و از این جهت خوانندگان را به بسیاری از مراسم و آداب آن دین آشنا می‌سازد» (معین: ۱۳۵۸: ۱۳۰). شاید به جهت اهمیت خاص این قصیده است که شارحان از دیرباز، آن را شرح کرده‌اند.<sup>۲</sup> قدیمی‌ترین و به اقرب احتمال اولین شرح این قصیده،<sup>۳</sup> مربوط است به آذری طوسی که این قصیده را در *جوهرالاسرار* شرح کرده است. «در سال‌های اخیر، این قصیده مورد توجه خاورشناسان جهان و به‌ویژه روسیه گردیده است»<sup>۴</sup> (همان: ۱۳۱). در اواخر قصیده یادشده، شاعر به تمام اموری که در آیین مسیحیت، مقدّس شمرده می‌شود عظیم‌الروم را سوگند می‌دهد که از ممدوح اجازه سفر به بیت‌المقدس را بگیرد. در میان این ابیات که متضمن سوگند است؛ بیتی وجود دارد که شارحان بر سر شرح آن اختلاف دارند. بیت مورد نظر، به این قرار است:

به پاکی مریم از تزویج یوسف      به دوری عیسی از پیوند عیسا<sup>۵</sup>

نگارندگان این سطور بر آن‌اند تا پس از ارائه نظر شارحان خاقانی‌پژوه در مورد بیت مزبور، تأویل و تفسیر جدیدی از معنای بیت به‌دست دهند.

## ۲. پیشینه تحقیق

کزآزی در مقاله‌ای با عنوان «عیسی و عیسا در شعر خاقانی» پس از ذکر معنای قاموسی کلمه عیسا

از فرهنگ‌ها، معنای قاموسی را مستدل ندانسته است و در پی یافتن معنای جدید از آن برمی‌آید (کزازی، ۱۳۶۷: ۲۲۱۱-۲۲۱۲)؛ او به سراغ کتبی می‌رود که ماجرای مصلوب شدن عیسی را درج کرده‌اند؛ مانند آثار الباقیه ابوریحان بیرونی، تفسیر طبری، تفسیر قرآن پاک، قصص قرآن مجید ابوبکر عتیق نیشابوری، مجمل التواریخ و القصص و تاریخ گزیده حمدالله مستوفی و در نهایت بیان می‌کند، این کتاب‌ها برای شخصی که عیسی را لو داده است نام‌های زیادی برشمرده‌اند: «شمعون»، «بختیشوع»، «یهودا»، «طیانوس»، «سطوس»، «نیفوع» (؟)، «یودس»، «ایشوع» (همان: ۲۲۱۲-۲۲۱۶). کزازی می‌پندارد نام آن شخص، «عیشا» که ساخت دیگری از «ایشوع» یا «یشوع» است. در خصوص مطالب کزازی باید گفت که ایشان به‌درستی منتج شدن «عیشا» از «ایشوع» را تبیین نکرده‌اند و این که در تمامی متونی که ایشان در بررسی خودشان برمی‌شمرند، هیچ کدام به راهزن بخشوده شده در عید فصیح اشاره‌ای نکرده‌اند و با گمانه‌زنی ایشوع را راهزن بخشیده شده عید فصیح می‌داند (همان: ۲۲۱۸) و نیز مشخص نکرده‌اند با توجه به کدام منبع به چنین گمانی دست یافته‌اند. مشکل دیگر تعبیر، این است که مسیحیان هنوز هم اعتقاد دارند که عیسی به صلیب کشیده شده است؛ پس در باور مسیحیان عیسی با عیشایی که مدنظر ایشان است (= شبه عیسی) ارتباطی ندارد که خاقانی بخواهد در پی انکار آن باشد.

بر اساس مطالب هادی رضوان در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی دیگر به بیستی از خاقانی»، عیشا نام زنی است که یهودیان، عیسی را به داشتن رابطه با او متهم کرده‌اند و شاید برخی معتقد بوده‌اند که عیسی با او ازدواج کرده است (رضوان، ۱۳۹۰: ۱۷۷). مطالب رضوان نیز بر اساس گمانه‌زنی است؛ زیرا در منابع، از زنی به نام عیشا یاد نشده است و همان‌طور که خود ایشان ذکر کرده‌اند؛ عیسی به داشتن ارتباط با مریم مجدلیه متهم بوده است؛ می‌دانیم که مریم مجدلیه در هیچ‌یک از منابع تا آن‌جا که در آگاهی نگارندگان است، عیشا یا هر شکلی که بشود مصحف عیشا دانست خوانده نشده است. ایشان در ادامه بیان داشته‌اند که ضبط نسخه بدل نیز می‌تواند صحیح باشد زیرا «اشیا» به احتمال زیاد، اسم خاص است نه جمع شیء (همان: ۱۸۰). بر همین نکته اخیر ایشان باید افزود که «اشیا» که ضبط نسخه بدل است در صورتی اسم خاص است که آن را شکل تصحیف شده‌ای از «ایشا» بدانیم.

### ۳. جایگاه تصحیف در دیوان خاقانی

علت و سبب تحریف و تصحیف در دواوین و کتب نظم و نثر گذشته دو چیز است: یکی از

دلایل به وجود آمدن تصحیف در یک اثر، چه نظم و چه نثر، وفور کنایات و استعارات و مسائلی از این قبیل است و دلیل دیگر، کثرت استنساخ است که به طبع باعث ظهور غلط و اشتباه می‌شود. دیوان خاقانی نیز به دلیل وجود همین دو علت، قابل بررسی است. به عبارت دیگر، وجود همین پیچیدگی و دشواری سبب شده که ناسخان و کاتبان نتوانند به درستی شکل صحیح اشعار او را ثبت و ضبط کنند و در نتیجه در برخی مواضع تصرفاتی در متن ایجاد کرده‌اند. مصححان دیوان خاقانی متوجه این موضوع شده‌اند و وجود تحریف و تصحیف را در دیوان خاقانی ناشی از همین پیچیدگی‌ها دانسته‌اند (عبدالرسولی، ۱۳۵۷: ی؛ پارسا، ۱۳۸۶: ۴). مؤید شیرازی در کتاب شعر خاقانی برای بسیاری از ابیات به دلیل همین پیچیدگی تصحیحات قیاسی جدیدی پیشنهاد داده است؛ او در یک‌صد و هفده بیت تصحیح قیاسی انجام داده و در هفده بیت پیشنهاد جایگزینی را مطرح کرده است. کزازی نیز در دیوان ویراسته خود، با استناد به برخی نسخه‌بدل‌ها، ضبط‌های جدیدی پیشنهاد کرده است. در سال‌های اخیر نیز مقالات بسیاری در زمینه تصحیف در دیوان خاقانی نگاشته شده است و در آن محققان کوشیده‌اند ضبط جدیدی را برای ابیتی خاص، پیشنهاد کنند. سجادی در تصحیح دیوان خاقانی، اساس کار خود را بر نسخه بریتیش میوزیم (نسخه ل) قرار داده بود که به اعتقاد برخی محققان یکی از دلایل وجود پاره‌ای از ضبط‌های فاسد در دیوان خاقانی، اعتماد به نسخه (ل) و صرفاً به دلیل تقدم زمانی این نسخه است. اعتماد ایشان به آن نسخه چنان بود که «حتی ضبطی که معنای محصل ندارد و یا شواهدی در خود دیوان و دیگر آثار خاقانی دال بر نادرست دانستن آن وجود دارد، در متن آمده است» (مهدوی‌فر، ۱۳۹۱: ۲۹۲).

البته این نوع تصحیف و تحریف را نباید با تصحیف به معنای ادبی و بلاغی آن یکسان دانست. خود خاقانی در برخی موارد علاقه خاصی به تصحیف خواندن ابیات دارد و اشاره می‌کند که کلمه خاصی به شکل مصحف خوانده شود. به این ابیات توجه کنید:

مجلس انس حریفان را هم از تصحیف انس در تنوره کیمیای جان جان افشاندند

(خاقانی، ۱۳۸۸: ۱۰۶)

آن روز رفت آب غلامان که یوسفی تصحیف عید شد به بهای محقرش

(همان: ۲۲۳)

جمله در غرقاب اشک و کرده هم سیراب از اشک خاک غرقاب مصحف را که عطشان دیده‌اند

(همان: ۹۳)

چنان که در این ابیات ملاحظه می‌شود، خاقانی با استفاده از همین شگرد، معانی و مفاهیم ذهنی خود را به مخاطب القا می‌کند. تصحیف کلمات انس، عید و غرقاب به ترتیب آتش، عبد و عرفات است که خاقانی آن را مدنظر داشته است. با توجه به همین موضوع، به بررسی قلب و تصحیفی که در بیت یادشده آمده است می‌پردازیم و معنایی جدید برای بیت مذکور یادآور می‌شویم.

#### ۴. خاقانی و مسیحیت

هیچ‌یک از ادیان الهی پیش از اسلام، در نزد ایرانیان، جاذبه مسیحیت را نداشته است. مسیح و آن‌چه مربوط به اوست، موضوع بخشی از معارف و فرهنگ ایرانی بوده است. «نام عیسی در پانزده سوره قرآن و روی هم در نود و سه آیه ذکر شده است، زیرا بر اساس قرآن و به تبع آن در فرهنگ اسلامی، عیسی و مریم از بندگان والامقام خداوند هستند» (شیمل، ۱۳۸۷: ۲۰). خاقانی به جهات گوناگونی به زندگانی حضرت عیسی دل‌بستگی ویژه‌ای دارد و بر اساس همین دل‌بستگی، بیش از شاعران دیگر، جلوه حضرت عیسی و اطلاعات مسیحیت را در دیوان او می‌توان دید. بر همین اساس شاید بتوان گفت، در آثار هیچ شاعر دیگری این‌همه اشاره به کلیساها، آوای ارغنون، صدای غنّه کشیشی که انجیل می‌خواند، شمع‌های مسیح و دیگر آداب کلیسایی نمی‌یابیم (رک: همان: ۳۴).

سرچشمه اطلاعات خاقانی در زمینه اصطلاحات و تلمیحات عیسوی تنها به قرآن کریم، تفاسیر و اخبار و روایات اسلامی ختم نمی‌شود؛ خاقانی بر منابع جهان مسیحیت نیز دسترسی داشته است. از منابع آشنایی خاقانی با جهان مسیحیت، علاوه بر مادرش که کنیزکی نستوری بوده است؛ می‌توان از هم‌جواری با مناطق میسحی‌نشین اران و قفقاز و نیز سفر به آن نواحی و حشرونشر با بزرگان و علمای مسیحی، مطالعه کتبی چون *آثارالباقیه* ابوریحان بیرونی و ملل و نحل‌ها و نیز آشنایی با خود ترسایان نام برد. با این تفاسیر می‌توان گفت، منابع اطلاعات خاقانی که دانش مسیحیت خود را مدیون آن است از سه حال خارج نیست؛ استفاده از آثار کتبی گذشتگان، کسب اطلاعات از ساکنین بومی و محلی و بالاخره تحقیقات و مطالعات شخصی.

خاقانی علاوه بر قصیده ترسائیه و یک غزل و قصیده دیگر که کاملاً در آن به مسیحیت و مبانی آن می‌پردازد<sup>۷</sup>، در سایر قصاید، غزلیات، قطعات و رباعیات نیز سوانح زندگی مریم و عیسی، آداب و رسوم، راهبان و ریاضت‌های آنان و وضع کلیساها و... را از نظر دور نمی‌دارد.

«همین امر انگیزه توجّه استثنایی مستشرقان به آثار وی گردیده است که در شرح و تفسیر ترسائیات این شاعر و تحقیق در آثار او سعی جمیل مبذول داشته‌اند» (معدن کن، ۱۳۸۲: ۵۳).

## ۵. بحث

قصیده یادشده، در اکثر شروح و گزیده‌هایی که از خاقانی در دسترس است؛ توجّه شارحان را به خود جلب کرده است. بر اساس تحقیقی که در خصوص شروح دیوان خاقانی صورت گرفته است؛ این قصیده در بیست و پنج گزیده و شرح کامل آمده است (رک: مهدوی فر، ۱۳۹۲: ۴-۲۰). مهم‌ترین شروحي که به این قصیده توجّه داشته‌اند عبارت‌اند از: آتش اندر چنگک: (ص: ۷۵-۹۹). ارمغان صبح: (ص: ۲۴۰-۲۴۹). خارخار بند و زندان (شرح مشکلات خاقانی، دفتر دوم). خاقانی، ستایشگر پیامبر و کعبه: (ص: ۶۲-۷۸). خاقانی و آندرونیکوس کومنه نوس: (ص: ۱۱۱-۱۱۸). دیدار با کعبه جان: (ص: ۲۳-۱۲۰). سوزن عیسی (گزارش چامه ترسای خاقانی). شاعر صبح: (ص: ۲۵۷-۲۶۳). شرح دیوان خاقانی: (ص: ۱۵۷-۱۹۰). شرح قصائد خاقانی شروانی: (ص: ۵۰-۶۲). گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی: (ص: ۶۵-۷۵). گزیده اشعار خاقانی شروانی (اشرف‌زاده): (ص: ۶۷-۸۱). گزیده قصاید خاقانی (ضیاءالدین سجّادی): (ص: ۱۲۹-۱۴۵). برگزیده‌ای از دیوان خاقانی (ماهیار): (ص: ۵۶-۶۷). مالک ملک سخن: (ص: ۳۰۷-۴۵۳). مرثیه‌خوان مداین: (ص: ۳۶-۵۵). نقد و شرح قصاید خاقانی: (ص: ۱۴۸-۱۶۳). حال، با توجّه به شروحي که ذکر آن‌ها گذشت به بررسی بیت یادشده می‌پردازیم تا موضوع روشن شود و ببینیم اختلاف شارحان در کدام بخش از بیت آشکار می‌شود.

### ۵-۱- نظر شارحان در مورد بیت

آذری طوسی در شرح خود «عیشا» را «اشیاء» ضبط کرده است (رک: جواهرالاسرار، ۱۳۸۶: ۱۹۳-۲۰۷). شمس‌الدین محمد لاهیجی در شرح قصیده مسیحیه درباره بیت مزبور بیان داشته است: «و این بیت ششم است از ابیات قسمیه، پاکی مریم از تزویج یوسف اشاره بر آن است که مریم مده‌العمر از آرایش نفسانی که بین الناس اشتها دارد میرا بوده و مدخوله احدی نبود. لفظ بدوری عیسی را هم به ضم دال باید خواند که به معنی دوری باشد نه به فتح دال که به معنی چرخ زدن و دور نمودن است. اشاره است بر اجتناب آن حضرت از اشیاء که در این نشأه فانی به کار آید و تجرد او از علایق و عوایق جسمانی چنان که نبذی از انقطاع و تزهد و تورع آن حضرت سبق ذکر یافت» (لاهیجی، بی تا: ۳۴۶-۳۴۷). شایان ذکر است که لاهیجی نیز ضبط

«اشیاء» را ارجح دانسته است.

زرین کوب در کتاب *دیدار با کعبه جان* آورده است: «نسخه بدل معنی مناسبی دارد اما جناس و تناسب خطی موجود بین «عیسی و عیشا» بیشتر با سبک بیان خاقانی موافق به نظر می‌آید. اما درباره معنی این کلمه [عیشا] برهان قاطع آن را عبارت می‌داند از رحم و زهدان که در بیت مانحن‌فیه چندان مناسبت ندارد. شرح مندرج در حاشیه چاپ لکهنو آن را [عیشا] عبارت می‌داند از چیزی که بدان فرزند در رحم عورت موجود می‌شود، چنان که منی و خون» (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۸۳).

سجّادی در تعلیقات *دیوان خاقانی* در خصوص این بیت، به مطالبی که مینورسکی در شرح بیت بیان داشته است ارجاع داده است (رک: زرین کوب، ۱۳۸۹: ۸۳). سجّادی در ادامه بحث خود آورده است: «به گفته او [مینورسکی] عیشا یک کلمه بسیار نادر در سریانی است یا نیمه سریانی، مانند مسیحای فارسی و در کتب لغت عرب دیده نمی‌شود و نمی‌تواند مستقیماً از ریشه عربی «عیش به معنی زندگی کردن» مشتق شده باشد» (سجّادی، ۱۳۸۸: ۹۹۲-۹۹۱).

کزّازی در کتاب *سوزن عیسی* در توضیح بیت می‌نویسد: «معنی این واژه شگرف را فرهنگ‌نویسان «زهدان و قرارگاه طفل در رحم مادر» دانسته‌اند. ناشناختگی این واژه چنان بوده است که پاره‌ای از برنوشته‌های دیوان به جای آن «اشیاء» نهاده شده است<sup>۱</sup>؛ اما دوری عیسی از اشیاء معنایی شگرف نمی‌تواند داشت که خاقانی به آن سوگند یاد کند زیرا همه پاکان و نیکان از آلائش‌های جهان خاکی و از پیوند اشیاء به دور و پیراسته بوده‌اند و این تنها ویژگی عیسی نیست. از دیگر سوی، معنایی نیز که در فرهنگ‌ها برای «عیشا» نوشته‌اند با زمینه سخن خاقانی در این بیت سازگار نمی‌افتد زیرا ویژگی شگرف در زادن عیسی آن نیست که در زهدان مام پرورده نشده است؛ آن است که از دوشیزه‌ای زاده است» (کزّازی، ۱۳۸۷: ۱۹۰-۱۸۸). کزّازی معتقد است، «عیشا» در این بیت اسم خاص است. نام کسی است که به جای عیسی بر چلیپا شد. «این نام در پاره‌ای از منابع ایشوع نوشته شده است» (همان). ایشان در کتاب *گزارش دشواری‌های خاقانی* نیز تقریباً همان مطالب کتاب *سوزن عیسی* را تکرار کرده‌اند و نوشته‌اند: «... خاقانی، بر پایه باور مسلمانی، بر آن است که پیامبر دور از آن است که با این مرد [= شبه عیسی] یکی باشد؛ و او را به دار آویخته باشند. سپس ستوده خویش را بدین دوری سوگند می‌دهد، به همان‌سان که در پاره نخستین به پاکی مریم از این که بانوی یوسف درودگر باشد، او

را سوگند داده است» (کزازی، ۱۳۸۶: ۷۴).

امامی در *ارمغان صبح آورده است*: «تزییح یوسف اشاره است به تهمت بستن بر مریم در ارتباط با یوسف. عیسا: رحم و ماده‌ای که سبب تکون فرزند در رحم شود نظیر خون و منی» (امامی، ۱۳۸۵: ۱۹۸). برزگر خالقی در شرح *دیوان خاقانی* بیان کرده است: «عیسا: قرارگاه طفل در رحم مادر؛ رحم» (برزگر خالقی، ۱۳۸۷: ۱۸۷). در توضیح بیت اضافه می‌کند: «تو را به پاکی مریم از آمیزش با یوسف نجار و در دور بودن حضرت عیسی از در رحم قرار گرفتن مادر سوگند می‌دهم» (همان). استعلامی در شرح *قصاید خاقانی* می‌نویسد: «سوگند به این باور است که مریم بی آن که با یوسف نجار در آمیزد بارور شده بود. در مصرع دوم «عیسا» را به معنی نطفه و خون از لوازم رشد جنین در رحم مادر گرفته‌اند (!) و اعتقاد به این که خلقت عیسی متفاوت از خلقت دیگران است، بنابراین رشد جنین او در رحم مریم نیازی به «عیسا» ندارد» (استعلامی، ۱۳۸۷: ۱۶۹). ماهیار در *مالک ملک سخن*، توضیحاتی درباره تولد عیسی در *اناجیل* آورده است و در نهایت بیان داشته‌اند: «عیسا به معنی قرارگاه طفل در رحم مادر است» (ماهیار، ۱۳۸۸: ۴۴۶). شارحانی چون ماحوزی و سرمدی علی‌رغم این که قصیده را نقل کرده‌اند؛ اما بیت مزبور را در گزیده خود حذف کرده‌اند. معین نیز با این که بر بسیاری از ابیات خاقانی یادداشت و حواشی نوشته است؛ اما درباره این بیت مطلب خاصی ندارد.

چنان که در شرح شارحان ملاحظه می‌شود، ایشان در معنی مصرع اول همگی متفق‌القول‌اند اما درباره معنی مصرع دوم دچار شک و تردید شده‌اند. حتی شارحانی که واژه عیسا را در معنی رحم و زهدان به کار گرفته‌اند نیز چنان که از شرحشان برمی‌آید، این معنی را چندان مقبول و پسندیده نمی‌دانند (ر.ک: استعلامی، ۱۳۸۷: ۱۶۹). شاید بتوان گفت دلیل این امر، مستند نبودن قول فرهنگ‌نویسان و صاحبان قوامیس است؛ به عبارت دیگر، صاحبان فرهنگ واژه عیسا را با توجه به همین ضبط بیت خاقانی معنی کرده‌اند و این واژه تا قبل از خاقانی در فرهنگ‌ها، البته با قید احتمال، کاربرد نداشته است (نک: کزازی، ۱۳۶۷: ۳۹۶).

## ۶. نگاهی به *اناجیل* اربعه

مابین *چهار انجیل* و حتی در متن یک‌یک آن‌ها تناقض‌های عظیمی به چشم می‌خورد؛<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، هر یک از این انجیل‌ها حوادث را به شیوه خاص خود مطرح می‌کنند و در نتیجه، هر کدام متضمن حوادثی است که در دیگر انجیل‌ها نیست. شجره‌نامه عیسی که در انجیل‌های



منسوب به متی و لوقا ثبت است نمونه همین آشفتگی و تناقض است. در اعتقادات یهود، مسیح باید از نسل داود باشد که حکومت او را دوباره برقرار کند؛ بنابراین «پیروان انجیل کوشیده‌اند تا ثابت کنند که عیسی مسلماً همان مسیح است که در وصایای قدیم از او یاد شده است و به همین جهت، شجره نسب عیسی را از داود به بعد شروع می‌کنند» (ولف، ۱۳۵۸: ۲۱). بر همین اساس، در *انجیل متی* آمده است «چون فریسیان جمع بودند عیسی از ایشان پرسیده گفت: درباره مسیح چه گمان می‌برید؟ او پسر کیست؟ بدو گفتند: پسر داود» (متی، ۲۲: ۴۲). اشعیا نبی نیز می‌گوید: «و نهالی از تنه یسعی بیرون آمده شاخه‌ای از ریشه خواهد شکفت» (اشعیا، ۱۱: ۱). در *قاموس کتاب مقدس* به صراحت به این نکته اشاره شده است و به همین آیه مزبور در کتاب اشعیا مستند شده است: «به واسطه داود یسعی از اجداد مسیح محسوب گشت» (هاکس، ۱۳۷۷: ۹۵۱).

از بین انجیل‌های چهارگانه، متی و لوقا خاندان عیسی را معرفی کرده‌اند. *انجیل متی* این شجره را از داود هم بالاتر می‌برد و نسب عیسی را به حضرت ابراهیم می‌رساند؛ لوقا نیز این شجره را به حضرت آدم می‌رساند. در *انجیل متی* این شجره به این صورت آمده است: «یوسف بن یعقوب، بن متان، بن ایلعاز، بن ایلیهود، الخ...» در ادامه این انجیل از حضرت ابراهیم تا عیسی را چهل و دو پشت می‌شمارد.

چنان که می‌دانیم با توجه به نص کتاب مقدس، یوسف نجار با مریم ازدواج می‌کند و این در حالی است که مریم از روح القدس باردار بود؛ اما با بررسی انجیل‌هایی که از شجره‌نامه عیسی صحبت کرده‌اند تناقضی آشکار به چشم می‌خورد. اگر پدر عیسی، یوسف نجار نیست و نقشی در تولد او نداشته است پس چرا او را در شجره‌نامه به‌عنوان پدر عیسی ذکر کرده‌اند؟ و اگر یوسف نجار پدر عیسی است در این صورت داستان بارداری مریم از روح القدس باطل خواهد بود. روحانیان کلیسای خود متوجه این بی‌منطقی شده‌اند و به همین دلیل کوشیده‌اند آن را حذف و یا اصلاح کنند. در *انجیل متی* در پایان شجره‌نامه آمده است: «و یعقوب، یوسف شوهر مریم را آورد که عیسی مسمی به مسیح از او متولد شد» (*انجیل متی*، ۱: ۱۰۸۵). از این آیه چنان مستفاد می‌شود که یوسف پدر عیسی نیست و بلکه ناپدری او یعنی فقط شوهر مریم است. همین حک و اصلاح هرج و مرج را در شجره‌نامه عیسی بالا برده زیرا در این صورت آوردن شجره مطول یوسف دیگر معنا نخواهد داشت. شایان ذکر است؛ در همین دو انجیل

یادشده، شجره‌نامه عیسی اختلاف فاحش دارد. در *انجیل متی* پدر عیسی یعقوب است (همان) در حالی که در *انجیل لوقا* از این پدر با عنوان هالی یاد شده است (*انجیل لوقا*، ۲۳: ۱۱۷۱؛ کری‌ولف، ۱۳۵۸: ۲۷).

#### ۷. دیدگاه نگارنده در مورد بیت

اگر به ابیات قبل از بیت مورد نظر توجه کنیم درمی‌یابیم که خاقانی در هر بیت، ممدوح را به یکی از عناصر عیسوی سوگند می‌دهد. در این بیت نیز خاقانی همان شیوه را پیش گرفته است. اما ربط بین عیسی و عیسا چه چیز می‌تواند باشد؟

با توجه به آن چه که گفته شد، به نظر نگارندگان، خاقانی قصد دارد در مصراع دوم به همان اختلاف بین *انجیل* اشاره و آن را انکار کند. خاقانی در مصراع اول نیز ازدواج حضرت مریم با یوسف نجار را انکار کرده است؛ لذا برای آن که ارتباط بین دو مصراع از هم گسیخته نشود باید مصراع دوم را هم این گونه دید که او می‌خواهد ارتباط بین عیسی و عیسا را انکار کند. خاقانی، بارها و بارها در *دیوان* خود مطابق نصّ صریح قرآن، در صدد این انکار برآمده است و مریم را آبستنی از روح القدس می‌داند و ارتباط یوسف نجار را به عنوان پدر عیسی پذیرفتنی نمی‌داند. در ابیات زیر این انکار را به خوبی می‌توان مشاهده کرد:

مریم طبعش نکاح یوسف وصف تو بست      مریمی با حسن یوسف نی چو یوسف کم بها

(خاقانی، ۱۳۸۸: ۲۳)

تا کی چو مسیح بر تو بینند      از بی پدری نشان مادر

(همان: ۸۸۷)

طعن حرام زادگی ارچه بد است بد      اما خجالت دم ابن الهی بتر

(همان: ۸۸۵)

#### ۷.۱. ریشه‌شناسی کلمه عیسا

با توجه به آن که «در زبان سریانی غالباً برای حرف سین، شین به کار می‌برند» (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۸۳)، احتمال دارد عیسا تصحیف و تحریف شده باشد. عیسا ممکن است دگرگون شده و مقلوب شده ایساع، یوشا، یوسی و یا یسی باشد (رک: رضوان، ۱۳۹۰: ۱۷۹). چنان که پیش از این اشاره کردیم، در وصایای اشعیای نبی نیز آمده بود که «و نهالی از تنه یسی بیرون

آمده شاخه‌ای از ریشه خواهد شکفت» (اشعیا، ۱: ۱). همین اشاره حاکی از آن است که می‌تواند در واژه عیشا، تصحیفی رخ داده باشد. نسخه بدل «اشیا» که در پاورقی نسخه سجادی (= نسخه ص) آمده است نیز ممکن است تصحیف ایساع باشد زیرا همان‌طور که می‌دانیم تصحیف، با جابه‌جایی نقطه‌ها اتفاق می‌افتد. شایان ذکر است در چند دست‌نویس دیگر، ضبط نسخه (ص) یعنی «اشیا» که در پاورقی دیوان آمده است، وجود دارد. دست‌نویس موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی مورخ ۸۴۷، بیت بدین شکل ضبط شده است:

به پاکی مریم از تزویج یوسف      به دوری عیسی از پیوند اشیا  
(نسخه خطی آستان قدس رضوی: برگ ۱۱۳)

سجادی در پاورقی همان صفحه آورده است: در (ل) کلمه «عیشا» دست‌خورده است و به صورت «عشیا» در آمده؛ اما به نظر می‌آید که در اصل مانند ضبط (ص): «پیوند اشیاء» بوده.

## ۲.۷. بررسی و تبیین ماهیت عیشا

همان‌طور که دیدیم، به اقرب احتمال، عیشا مقلوبی از ایساع، ایشا، یسی و یوسی بوده است. در بررسی منابع موجود، اسم‌هایی شبیه به آن چه ما مقلوب عیشا پنداشتیم وجود دارد. در منابع تاریخی و تفسیری، از شخصیتی صحبت رفته است با نام ایشا که به اعتقاد نگارندگان، گره بیت خاقانی از طریق همین شخصیت گشوده خواهد شد. با استناد بر همین منابع که در ادامه خواهد آمد متوجه می‌شویم که ایشای مورد بحث، پدر حضرت داوود است. حال، به بررسی متونی می‌پردازیم که کلمه ایشا در آنها آمده است.

مقدسی در *البدء و التاريخ* آورده: «قصه داود عم هو داود بن ایشا ولد یهوذا بن یعقوب نباه الله بعد شمویل...»<sup>۱</sup> (مقدسی، بی تا، ج ۳: ۱۰۰). همچنین عبدالملک سلمی اندلسی در کتاب *التاریخ* آورده: «... فقال داوود لطالوت: «ما تفعل بمن قتل هذا الاغلف؟». قال: «انکحه ابنتی و أعطیه ثلث مالی و ثلث ملکي». قال: «فانی اخرج الیه». قال: «من انت؟». قال: «داود بن ایشا...»<sup>۱</sup> (سلمی اندلسی، بی تا: ۷۱). در کتاب *المسالک و الممالک بکری*، ذیل نسب‌نامه داوود آمده: «هو ابن ایشا من ذریه یهوذا بن یعقوب...»<sup>۲</sup> (البکری، ۱۹۹۲: ۱۲۸). ابوالفتوح رازی نیز در تفسیر *روض الجنان* به داستان داوود و نسب‌نامه او اشاره می‌کند. رازی می‌نویسد: «ایشان لشکر جالوت را هزیمت کردند و داود جالوت را بکشت... ایشا بود پدر داوود با سیزده پسر و داوود به سال

کمتر بود...» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۶۳-۳۶۷). علی‌اکبر نهاوندی در کتاب *العقبی* آورده است: «... قتل جالوت به دست مردی شبان باشد که زره موسی بر قامت او راست آید و او از اولاد لاوی بن یعقوب باشد. آن داوود بن ایشا بود، ایشا ده پسر داشت که کوچک‌ترین آن‌ها داود بود...» (نهاوندی، ۱۳۸۶: ج ۸، ۴۴۹). علامه مجلسی نیز در کتاب *حیات‌القلوب* آورده است: «... جالوت را کسی می‌کشد که زره حضرت موسی بر قامت او درست آید و آن مردی است از فرزندان لاوی که نام او داوود پسر ایشا است...»<sup>۱۳</sup> (مجلسی، ۱۳۸۴: ۸۸۷-۸۸۶).

این همه تفصیل لازم بود تا به این نقطه برسیم که در انجیل‌هایی که از *شجره عیسی* صحبت کرده‌اند و همچنین در وصایای اشعای نبی، سخن از شخصیتی با نام *یسی*، *یسا*، *آسی* و *ایشا* به میان آمده است که حلقه واسطه *شجره‌نامه عیسی* است با داود. همان‌طور که پیش‌ازین بیان داشتیم خاقانی در این بیت، در صدد انکار برآمده است؛ در مصراع اول تزویج حضرت مریم را با یوسف نجار انکار می‌کند و در مصراع دوم *شجره‌نامه جعلی* انجیل‌ها را انکار می‌کند و حضرت عیسی را بنا بر نص صریح قرآن تولد یافته از روح‌القدس می‌داند.

با این تفاسیر، باید گفت که «عیشا»، به اقرب احتمال مصحف کلمه «ایشا» است و نیز باید این احتمال را داد که در ضبط نسخه‌بدل که به جای «عیشا»، «اشیا» ضبط شده است؛ قلب صورت گرفته باشد و «ایشا» به دلیل کژفهمی ناسخان و کاتبان از درک و فهم دقیق تلمیح، به صورت «اشیا» ضبط شده باشد<sup>۱۴</sup>. نکته دیگری که شایان ذکر است این که نام مزبور در کتاب *مقدس* با تشدید سین ذکر شده «یسسی» که اگر به این شیوه هم نوشته شود و به خلاف قاعده، چون عیسی خوانده شود موسیقی بیت غنای بیشتری خواهد داشت.

## ۸. نتیجه‌گیری

این جستار با بررسی زوایای مختلف کلمه «عیشا»، به این نتایج دست یافت که به اقرب احتمال، «عیشا» اسم خاص است و فروکاست و تقلیل آن در معنای «رحم، زهدان و خون بسته‌شده»، همان‌طور که برخی شارحان گمان برده‌اند خطای محض است. کلمه مزبور، شکل تغییر یافته‌ای از واژه «ایشا» است؛ چون کاتبان به تناسب لفظی و اصالت بدیعی خاقانی توجه داشته‌اند آن را به «عیشا» بدل کرده‌اند. نکته دیگر که در این بررسی حاصل شد، تأمل و درنگ بر روی ضبط نسخه‌بدل (نسخه ص) است که بر این اساس احتمال دارد ضبط اصلی آن نیز «ایشا» بوده است اما به دلیل کژفهمی و عدم درک تلمیح، به صورت «اشیاء» درآمده است. این نکته را نیز نباید

از نظر دور داشت که آگاهی خاقانی به فقرات کیش عیسوی و نیز توجه وافر او در به کارگیری تلمیحات مؤید درستی ضبط «ایشا» در بیت مزبور است.

### پی نوشت‌ها

۱. در مورد این که قصیده مزبور، حبسیه است یا نه، بنگرید به: (ترکی، ۱۳۹۴: ۱۹۶-۲۰۰).
۲. برای دانستن اهمیت این قصیده و نخستین شرح آن بنگرید به: (فشارکی، ۱۳۸۶: ۲۱۶-۲۵۶)، (محمّدی، ۱۳۹۴: صفحات مختلف).
۳. آورده‌اند که احتمالاً نخستین شارح ابیاتی از خاقانی، امیر خسرو دهلوی بوده که البته مدرکی در صحت این احتمال هنوز یافته نشده است. نیز گفته‌اند عبدالرحمن جامی نیز، شرحی بر اشعار خاقانی داشته است (سجّادی، ۱۳۵۲: ۱۷۱-۱۷۲ نقل از مهدوی فر، ۱۳۹۲: ۴-۲۰).
۴. برای مزید اطلاع از شروح دیوان خاقانی رجوع کنید به: (خاقانی شروانی، ۱۳۸۸: شصت و پنج و شصت شش)، (ایمانی، ۱۳۸۲: ۷۱-۸۶)، (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۵)، (مهدوی فر، ۱۳۹۳: ۴-۲۰).
۵. در همه تصحیح‌های موجود ضبط کلمه به صورت «عیشا» مضبوط است: (عبدالرسولی، ۱۳۱۶: ۲۵)، (سجّادی، ۱۳۸۸: ۲۸)، (کزازی، ج ۱، ۱۳۷۵: ۴۴)، (جهانگیر منصور، ۱۳۷۵: ۱۸).
۶. آن قصیده و غزل با این مطلع‌ها آغاز می‌شوند:  
روزم فروشد از غم وهم غم‌خوری ندارم      رازم برآمد از دل و هم دلبری ندارم  
(خاقانی، ۱۳۸۸: ۲۷۹)  
آن نازنین که عیسی دل‌ها زبان اوست      عودالصلیب من خط زَنارسان اوست  
(همان: ۵۶۴)
۷. کزازی در دیوان ویراسته خود، در ذیل بیت نسخه‌بدلی را ارائه نکرده است؛ اما در ذیل همین بیت در دیوان مصحح سجّادی آمده است: در (ل) کلمه «عیشا» دست خورده است و به صورت «عشیا» در آمده. اما به نظر می‌آید که در اصل مانند ضبط (ص): «پیوند اشیا» بوده (کزازی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۴۴).
۸. این تعبیر برگرفته از قرآن است. خداوند در آیه ۲۳ سوره مریم می‌فرماید: «فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّسِيًّا»؛ «تا درد زایمان، او را به سوی تنه درخت خرما می‌کشانید. گفت: «ای کاش، پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم» (فولادوند، ۱۹: ۲۳).
۹. برای دریافت تناقض‌های موجود در اناجیل چهارگانه، بنگرید به: (ولف، ۱۳۵۸: صفحات مختلف).

۱۰. قصه داود فرزند ایشا که بعد از شمویل از یهودا فرزند یعقوب نبی زاده شد.
۱۱. پس داود به طالوت گفت: چه خواهی کرد در ازای قتل این ختنه نشده؟ گفت: دخترم را به عقد تو درمی آورم و یک سوم از ملک و مالم را به تو خواهم داد. گفت: من بر او خروج خواهم کرد. گفت: تو کیستی؟ گفت: داود پسر ایشا.
۱۲. او پسر ایشا از فرزندان یهودا پسر یعقوب است.
۱۳. برای مزید اطلاع در خصوص شخصیت «ایشا»، رجوع کنید به: (طبری، ۱۳۵۴: ۹۳۳ و ۹۵۱-۹۵۲)، (رشیدالدین فضل الله، ۱۳۸۶: ۱۰۴-۱۰۶)، (ابوزید، بی تا: ۱۶۷-۱۶۸)، (یعقوبی، بی تا: ۴۹-۵۰)، (بیرونی، ۱۳۸۹: ۲۸)، (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۷)، (الکشاف زمخسری، ۱۳۸۹: ۳۵۵)، (فخر بناکتی، ۱۳۷۸: ۲۶۷)، (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۱۹۴).
۱۴. خالی از فایده نیست این نکته را یاد آور شویم که در نسخه خطی تذکره علی نقی کمره‌ای، بیت مورد بحث ما، با کلمه «ایشا» ضبط شده است؛ اما بر روی آن خط کشیده شده و در حاشیه با قلمی دیگر نوشته‌اند: «عیشا: آبستنی که از آن بچه در شکم شود» (علی نقی کمره‌ای، ۱۰۳۳: برگ ۶۲).

## منابع

۱. قرآن مجید.
۲. آذری طوسی، حمزه بن علی ملک. (۱۳۸۶). *جواهر الاسرار*. تصحیح احمد شاهد. چاپ اول. مشهد: سنبله.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (بی تا). *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*. تحقیق و اهتمام مصطفی عبدالقاهر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابوالخیر، القس عبدالملک بسیط. (۲۰۰۶ م). *مریم المجدلیه و علاقتها بالمسیح رداً علی کتاب شفره دافشنی*. مطبعه المصریین.
۵. ابو عزیز، سعد یوسف. (بی تا). *الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفاسیر قدیماً و حدیثاً*. قاهره: المکتبه التوفیقیه.
۶. استعلامی، محمد. (۱۳۸۷). *تقد و شرح قصاید خاقانی*. چاپ اول. تهران: زوآر.
۷. اشرف زاده، رضا. (۱۳۸۵). *گزیده اشعار خاقانی شروانی*. چاپ اول. تهران: اساطیر.
۸. امامی، نصرالله. (۱۳۷۹). *ارمغان صبح (برگزیده قصاید خاقانی شروانی)*. چاپ دوم. تهران: جامی.
۹. ایمانی، بهروز. (۱۳۸۲). «شروح شعرهای خاقانی شروانی (۱)». *آینه میراث*. سال اول. شماره چهارم (پیاپی ۲۳). زمستان. ص ۷۱-۸۶.
۱۰. ایمانی، بهروز. (۱۳۸۳). «شروح شعرهای خاقانی شروانی (۲)». *آینه میراث*. سال اول. شماره یک (پیاپی ۲۴). بهار. ص ۷۱-۸۶.
۱۱. برزگر خالقی، محمدرضا. (۱۳۸۷). *شرح دیوان خاقانی*. جلد اول. چاپ اول. تهران: زوآر.
۱۲. برزگر خالقی، محمدرضا. (۱۳۷۹). *مرثیه خوان مداین (گزیده و شرح قصایدی از خاقانی)*. تهران: زوآر.
۱۳. بکری، عبدالله بن عبدالعزیز. (۱۹۹۲). *المسالک و الممالک (البکری)*. تصحیح اندری فیری. بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۱۴. بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد. (۱۳۶۳). *آثار الباقیه*. ترجمه اکبر داناسرشت. تهران: امیرکبیر.
۱۵. پارسا، سید احمد. (۱۳۸۶). «تصحیح دو تصحیف در دیوان خاقانی». *نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان*. ش ۲۱. ص ۱-۱۵.
۱۶. ترکی، محمدرضا. (۱۳۹۴). *تقد صیرفیان*. تهران: سخن.

۱۷. خاقانی شروانی، افضل‌الدین ابراهیم. (۱۳۱۶). *دیوان*. تصحیح علی عبدالرسولی. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ.
۱۸. خاقانی شروانی، افضل‌الدین ابراهیم. (۱۳۸۸). *دیوان*. تصحیح ضیاء‌الدین سجادی. چاپ پنجم. تهران: زوآر.
۱۹. خاقانی شروانی، افضل‌الدین ابراهیم. (۱۳۷۵). *دیوان*. با مقدمه استاد بدیع‌الزمان فروزانفر. به اهتمام جهانگیر منصور. تهران: نگاه.
۲۰. خاقانی شروانی، افضل‌الدین ابراهیم. (۱۳۷۵). *دیوان*. ویراسته میرجلال‌الدین کزازی. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
۲۱. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی. (۱۳۶۸). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. تصحیح محمد جعفر یاقفی و محمد مهدی ناصح. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۲. رضوان، هادی. (۱۳۹۰). «نگاهی دیگر به بیتی از خاقانی». *نشریه ادب و زبان دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان*. شماره سی (پیاپی ۲۷). زمستان. ص ۱۸۳-۱۷۱.
۲۳. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). *دیدار با کعبه جان (دربارۀ زندگی، آثار و اندیشه خاقانی)*. تهران: سخن.
۲۴. زمخشری، جار الله. (بی تا). *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*. قم: نشر ادب‌الحوزه.
۲۵. سجادی، ضیاء‌الدین. (۱۳۵۸). «شرح اشعار خاقانی». *حواشی دکتر معین بر اشعار خاقانی شروانی*. به کوشش سیدضیاء‌الدین سجادی. چاپ اول. تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی. صص ۱۶۷-۱۵۲.
۲۶. سجادی، ضیاء‌الدین. (۱۳۵۲). «شرح اشعار خاقانی». *مجموعه خطابه‌های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی*. به کوشش غلامرضا ستوده. تهران: دانشگاه تهران: ۱۷۱-۱۸۲.
۲۷. سلمی اندلسی، عبدالملک بن حبيب. (بی تا). *التاریخ*. بیروت: مکتبه العصریه.
۲۸. شیمیل، آنه ماری. (۱۳۸۷). *عیسی و مریم در عرفان اسلامی*. ترجمه و تحقیق محمد حسین خواجه‌زاده. تهران: امیرکبیر.
۲۹. فشارکی، محمد. (۱۳۸۶). «قصیده ترسائیه و نخستین شرح آن». *گوهرگویا*. شماره ۴. صص ۲۵۶-۲۱۶.
۳۰. قزوینی، محمد. (۱۳۷۸). «قصیده حبسیه خاقانی». *ساغری در میان سنگستان*. به کوشش جمشید علیزاده. تهران: نشر مرکز.



۳۱. کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۶۷). «عیسی و عیسا در شعر خاقانی». *نامواره دکتر محمود افشار*. جلد چهارم. تهران. ص ۲۲۰۸-۲۲۲۱.
۳۲. کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۷). *سوزن عیسی*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۳۳. کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۶). *گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی*. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.
۳۴. کمره‌ای، علی‌نقی. (۱۰۳۲). *منتخب خلاصه‌الشعار*. مجموعه سعید نفیسی. شماره نسخه ۹۸۶. شماره میکروفیلم ۷۰۷۶. شماره برگ ۲۲۳.
۳۵. لاهیجانی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۵۰). «شرح قصیده مسیحیه خاقانی». به کوشش ضیاء‌الدین سجادی. *فرهنگ ایران‌زمین*. جلد هیجدهم. ص ۲۶۰-۳۴۴.
۳۶. ماحوزی، مهدی. (۱۳۸۳). *آتش اندر جنگ (گزیده‌ای از دیوان خاقانی شروانی)*. چاپ دوم. تهران: زوآر.
۳۷. ماهیار، عباس. (۱۳۸۸). *مالک ملک سخن (شرح قصاید خاقانی)*. چاپ اول. تهران: سخن.
۳۸. ماهیار، عباس. (۱۳۹۳). *گزیده اشعار خاقانی*. تهران: نشر قطره.
۳۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۳۸۴). *حیات‌القلوب*. به اهتمام علی امامیان. قم: سرور.
۴۰. محمدی، شهربانو. (۱۳۹۴). «بررسی توصیفی انتقادی پژوهش‌ها و شروع مربوط به قصیده ترسایه تا پایان اسفند سال ۱۳۹۲». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. استاد راهنما دکتر سید جواد مرتضایی. دانشگاه فردوسی مشهد.
۴۱. معدن‌کن، معصومه. (۱۳۸۲). «مسیح و مریم در دیوان خاقانی». *نامه انجمن*. شماره نهم. ص ۴۹-۶۰.
۴۲. مقدسی، مطهر بن طاهر. (بی‌تا). *البدء والتاریخ*. مصر: مکتبه الثقافه الدینیه.
۴۳. مهدوی فر، سعید. (۱۳۹۱). «تأملی در نسخه دیوان خاقانی کتابخانه مجلس». *پیام بهارستان*. ش ۱۷. صص ۲۸۹-۳۱۳.
۴۴. میدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). *کشف‌الاسرار و عده‌الابرار*. تصحیح علی اصغر حکمت. تهران: امیر کبیر.
۴۵. مینورسکی، ولادیمیر. (۱۳۳۲). «شرح قصیده ترسایه خاقانی». ترجمه عبدالحسین زرین کوب. *فرهنگ ایران‌زمین*. دفتر دوم. صص ۱۸۸-۱۱۱.
۴۶. نهاوندی، علی‌اکبر. (۱۳۸۶). *العقبی الحسنان فی احوال مولانا صاحب‌الزمان*. تصحیح حسین احمدی قمی و دیگران. قم: جمکران.

۴۷. ولف، کری. (۱۳۵۸). *درباره مفهوم انجیل‌ها*. ترجمه محمد قاضی. تهران: امیرکبیر.
۴۸. هاکس، مستر. (۱۳۷۷). *قاموس کتاب مقدس*. چاپ اول. تهران: اساطیر.
۴۹. همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۸۴). *جامع‌التواریخ*. تصحیح محمد روشن. تهران: میراث مکتوب.
۵۰. همدانی، فاضل‌خان و دیگران. (۱۳۸۳). *ترجمه کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید*. تهران: اساطیر.
۵۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق. (بی‌تا). *تاریخ یعقوبی*. بیروت: دار صادر.